



مهدی محبی کرمانی

چندی قبل دکتر حامد علیخانی مدیر عامل صندوق بازنشستگی کارکنان صنایع مس ایران در جلسه‌ای با جمعی از هیات مدیره و مجمع عمومی نمایندگان کانون، در رفسنجان گزارشی از عملکرد شش ماهه خود ارائه کرد. گزارشی که بیشتر یک جمع بندی از مشکلات صندوق و تصویری از یک برنامه هدف برای حل این مشکلات بود. برنامه‌ای که تا به عملکرد برسد، البته هنوز راه درازی در پیش دارد.

این که یک مدیر بتواند برنامه‌های روشن و مورد حمایت بازنشستگان ارائه نماید قطعاً یک موفقیت است. اما موفقیتی که شش ماه از طلایی‌ترین فرصت‌های اجرایی و عملیاتی را از صندوق بگیرد، چندان هم نمی‌تواند تعریفی ملموس از یک موفقیت باشد. این گزاره البته تقلیل ارزش کار دکتر علیخانی و تیم پرشمارش نیست. در پرونده عملیاتی دکتر علیخانی نقاط درخشانی هم هست. پیش‌ترها مقرر بود مدیرعامل و هیات مدیره صندوق از بین مشارکین صندوق انتخاب شوند. فلسفه وجودی این امر هم روشن است؛ یعنی که یک جمع مشارک، ذینفع و صاحب‌نظر که تمام جریانات صندوق را با شناخت دقیق رصد می‌کرده‌اند و سرنوشت و منافع مشترک داشتند، نباید شش ماه وقت خود را - آن هم با انبوهی مشاور و معاون غیر مشارک - صرف رسیدن به یک شناخت حداقلی از سابقه صندوق و مسائل آن نمایند. یک ترکیب مدیریتی مشارک که تمام نقاط ضعف و قدرت مدیران گذشته را می‌شناسد، می‌تواند از شکل‌بندی تمام روابط پیچیده خانوادگی، قبیله‌ای و سیاسی در تمام لایه‌ها و سطوح ساختار تشکیلاتی گره‌گشایی نماید. مشکلات و نیازهای اساسی بازنشستگان، راه‌های برون رفت از مصائب دیوان‌سالاری، تورم سهمگین نیروی انسانی سفارشی و تحمیلی، ضعف و ناکارآمدی سازمان غیرتخصصی و ناشایسته مدیریت شرکت‌های زیرمجموعه را به خوبی می‌شناسد. با نگاه مزاحم پندارانه بازنشستگی کشور و تعریف و تصور شرم‌آور صدقه بگیران پرمدعا از جامعه شریف بازنشستگان کشور آشناست و مهم‌تر از همه رنج بزرگ عدم شناخت مدیران ارشد شرکت از نقش عظیم بازنشستگان به عنوان بنیانگذاران و راهبران جهادی یک صنعت نواخته و فاتحان خرمشهر سرچشمه و افتخار آفرینان عرصه توسعه و اقتدار شرکت در ارتقاء عزت و عظمت جایگاه مدیریتی شرکت را با رگ و پوست خود احساس کرده است.

شرکت‌های خلق‌الساعه در محفل‌های شبانه

خداکند که به شعار شفاف‌سازی، تعامل و تحول خود وفادار باشید. این را حتما می‌دانید که بخش عمده‌ای از شرکت‌های منظومه صندوق اساساً نه بر حسب نیاز و نه به مقتضای یک طرح امکان‌سنجی با توجیه فنی اقتصادی بالا، بلکه بیشتر برای این تاسیس شده‌اند که برادرزاده شما و خواهرزاده من بیکار نباشند؟! بعضی آن‌ها هم البته با فشار و توصیه سیاستپویان یا گرفته‌اند. توصیه می‌کنم فلسفه وجودی شرکت‌های مختلف منظومه صندوق - خاصه شرکت‌های وابسته به سرمایه‌گذاری مس سرچشمه را از زبان افراد مطلع جویا شوید، آمار تکان دهنده شرکت‌های ورشکسته، ادغام شده، تعطیل شده و انحلال یافته معنای خاص خود را دارد اصلاً بگردید ببینید چند شرکت از منظومه صندوق هستند که به یک ضرورت واقعی و براساس یک طرح امکان‌سنجی و توجیه فنی و اقتصادی تشکیل شده‌اند.

کم نبوده‌اند شرکت‌هایی که در یک محفل شبانه کلید خورده‌اند و در فردای همان روز کار ثبت و تاسیس آن‌ها تمام شده است. شرکت‌هایی که اتفاقاً قراردادهایشان هم پیشاپیش برای امضاء آماده شده بود. رانت‌خواری از این وقیحانه‌تر نمی‌باشد. بدتر از همه آفازده‌ای می‌آید، تشکیلاتی را تحویل می‌گیرد. شرایط قانونی تصدی مسئولیت ارجاعی را ندارد. در کار مدیریت تشکیلات هم می‌ماند، می‌آیند صورت مسئله را پاک می‌کنند. آن تشکیلات را تعطیل می‌کنند! انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته! و شگفتا که به منصبی بالاتر هم ارتقا پیدا می‌کند.

به نظر می‌رسد مهمترین بحث در آسیب شناسی منظومه صندوق توجه به شرایط موجود و ترکیب‌بندی این شرکت‌ها در نقش و موقعیت شرکت‌های فعال مجموعه نیست، بلکه باید از مطالعه دقیق و نقد شرکت‌های انحلال یافته، در شرف انحلال، ادغام شده، در شرف ادغام، ورشکسته، در حال تسویه و ... صورت گیرد. این بررسی‌ها می‌تواند مسیر اجتناب‌ناپذیر آینده بسیاری از شرکت‌های موجود را به خوبی نشان دهد. می‌خواهم بگویم مدیران شرکت سرمایه‌گذاری و متعاقب آن صندوق بازنشستگی نباید آن قدر اختیار داشته باشند که سهم مشارکت بازنشستگان در سهام این شرکت‌ها را به دلایل ساده‌ای با پاک کردن صورت مسئله بر باد دهند. اتفاقی که بارها و بارها خاصه در دوران مدیران وارداتی و غیربومی رخ داده

یادداشت یک پیشکسوت صنعت مس؛

عرض حالی اندوهبار در باب صندوق مس

است. فلسفه وجودی این شرکت‌ها، بررسی جریان مدیریتی و مسیر طی شده تا نقطه بن‌بست و ... لایه دلایلی داشته است. بازخوانی این دلایل درسی از یک تجربه است. تجربه‌ای که با هزینه سنگینی سعی در پنهان کردن آن داشته‌ایم؟! ... نمی‌شود که یک شرکت موفق و خلاق تولیدی در کرمان یا کارنامه‌های درخشان به دلایلی واهی به یکباره بخواهد. ماشین‌آلاتش به یغما بروند که مثلاً یک رقیب در اصفهان بازارش را از دست ندهد؟! نمی‌شود که این همه شرکت در طول سی سال ثبت و به سادگی تعطیل و تسویه شوند؛ بی‌که کسی بابت علل تعطیلی و فروپاشی این همه پاسخگو باشد؟! اگر حساب و کتابی در کار بود احتمالاً خیلی از آن‌ها که امروزه به اعتبار رانت‌های دریافتی به زمین و زمان فخر می‌فروشند، جایشان باید خیلی تنگ‌تر از جایی بود که حالا توی آن نفس می‌کشند!

ما مردم خوش استقبال و بد بدرقه‌ای هستیم

آقای دکتر علیخانی عزیز، چندی است که موج حمایت خودجوش گروهی از بازنشستگان از شما فضای مجازی را پر کرده است. این حمایت را در جلسات شما با گروه‌هایی از بازنشستگان شهرهای مختلف هم می‌بینیم. انصاف می‌دهم که این حمایت‌ها لاقل تا این‌جا حق شمامست. شما در اجرای برنامه‌های خود خاصه در جهت منافع بازنشستگان و اقتدار صندوق موفق عمل کرده‌اید. امیدوارم از یاد نبرید که این حمایت‌ها بیشتر به دلیل انطباق برنامه‌های شما با مطالبات بازنشستگان است و خدا نکند روزی این موج فروکش کرده و یا در جهت دیگری تلاطم پیدا کند.

ما سوابق تلخی از این‌گونه حمایت‌های زود هنگام داریم، به خصوص که شائبه امواجی برنامه‌ریزی شده هم در میان است. ما مردم خوش استقبال و بد بدرقه‌ای هستیم. همه مطالبات بازنشستگان یک طرف، مصوبه غیرقانونی وزارت رفاه هم یک طرف؛ اگر تمام نیروی خود و ساختار مدیریتی صندوق را معلقوب به لغو این مصوبه از طریق شورای نگهبان و یا دیوان عدالت اداری بنمائید، بیشترین خدمت را به جامعه بازنشستگی کرده‌اید، حتی اگر که پیگیری دیگر مطالبات به تعویق افتد. صندوق باید در دامن مادر خود، یعنی شرکت ملی صنایع مس ایران آرام گرفته و بزرگ شود. برای نامادری رفاه سرنوشت شرکت‌های منظومه صندوق اهمیت چندانی ندارد. آنها به سهام فعلی چشم دوخته‌اند! چیزی که دقیقاً خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی است.

شرایط سخت و نفس‌گیر ناشی از طمع وزارت رفاه بر صندوق صد در صد خصوصی بازنشستگان و پوشاندن یک لابی‌ای ناراست قانونی به این حرکت آشکارا غیر قانونی، مدت‌هاست که هرگونه انگیزه و فرصت را از مجموعه مدیریتی و بدنه صندوق از یک سو و جامعه بازنشستگی را از سوی دیگر گرفته است، همین که ماجرای این مصوبه مدت‌هاست که در شورای نگهبان به تصمیم نرسیده است، همین‌که دیوان عدالت اداری عاجزانه رای بر توقف روند اجرایی این مصوبه تا وصول به یک رای عادلانه داده است، خبر از حقانیت حقوق صندوق می‌دهد. امری که در فتاوی تمام مراجع بزرگ نه به زبان که با قلم و مهر و امضا منعکس است.

فرصت طلایی

در اختیار مدیریت صندوق

تغییر دولت و روی کار آمدن دولت جدید فرصتی طلایی در اختیار مدیریت صندوق و شرکت است که بتوانند حتی قبل از اظهار نظر شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری،

لغو مصوبه غیرقانونی دولت قبلی را در سطح مقامات ذربیط دولت جدید به سامان برسانند و آرامش خیال و امید را به جامعه آشفته‌حال بازنشستگی برگردانند. آنچه که مدیریت صندوق از آن به ایجاد آرامش در دل‌های بازنشستگان یاد می‌کنند.

می‌خواهم برای ایجاد اطمینان و آرامش بیشتر در دل‌های بازنشستگان این سوال را از آقای دکتر علیخانی داشته باشم که اگر به فرض محال فردا روزی مصوبه مذکور با تایید شورای نگهبان یا دیوان عدالت اداری به مدیریت مس ابلاغ گردید، واکنش مدیریت صندوق به این ابلاغیه چه خواهد بود؟

به حکم معمول من مامورم و معذور، ترتیب تغییرات و انتقال صندوق را با اساسنامه جدید به وزارت رفاه خواهند داد؛ از اجرای مصوبه خودداری کرده و طبیعتاً از کار برکنار شده یا استعفا خواهند داد؟ می‌آیند در صف بازنشستگان می‌ایستند و دوشادوش آن‌ها از حق آن‌ها دفاع خواهند کرد و پای عواقب آن هم می‌ایستند؟

از بحث پر اضطراب مصوبه ننگین وزارت رفاه که بگذریم، بحث ایجاد انضباط مالی و عملکردی در منظومه صندوق، یکی از برنامه‌های ضروری مدیریت موضوع هدف صندوق است.

تعدیل نیروی انسانی

اولین اقدام است

کمتر کسی است که نداند تورم نیروی انسانی در شرکت‌های منظومه صندوق بیداد می‌کند، و این را هم همه می‌دانند که کمتر استخدامی در این شرکت‌ها و حتی ترفیع و تغییر شغل کارکنان مربوطه به واسطه یک سیاست روشن شایسته‌سالاری بوده است. تقریباً بخش قابل توجهی از این حجم متورم نیروی انسانی را کسانی تشکیل می‌دهند که دستشان به دم گاو بند بوده است. (جسارت نباشد در مثل مناقشه نیست) در همین منظومه، آدم‌های بسیاری داریم که تا مرغ و خروس‌های ایل و تبارشان را به مناسبت مسئولیت‌ها و ارتباطات خود استخدام کرده و حالا هم همه آن‌ها در منظومه رسوب کرده‌اند و به اعتبار تعداد خود یک شبکه قدرت هم تعریف کرده‌اند.. درست در همین شرایط آدم بازنشسته داریم که فرزند شاگرد اول و معدل بیست دوره ارشدش، فارغ‌التحصیل یک دانشگاه برجسته دولتی شش ماه دنبال استخدام بوده و آخر هم کارش به جایی نرسیده است! تردیدی نیست که در بازآفرینی شخصیت اقتصادی یک شرکت، تعدیل نیروی انسانی اولین قدم در باسزای ساختار سازمان است، می‌خواهم بدانم آیا آقای دکتر علیخانی اهل ورود به عرصه خطر خیزی چون این سیاست هستند. تصور کنید دوازده هزار نفر دورهم جمع شده‌اند که مثلاً حقوق شش هزار نفر را تامین کنند؛ حال آن‌که در بهترین حالت اگر بتوانند حقوق دو ماه بازنشستگان را بدهند هنر کرده‌اند!

چه اجباری است که این همه زحمت به این جماعت بدهید، آن‌ها را به خانه‌هایشان بفرستید، حقوق ایام بیکاریشان را هم بدهید، شرکت‌ها را هم به بخش خصوصی اهلش واگذار کنید. پولش را هم به بازنشستگان بدهید، ثواب هم دارد. ما همه میلیاردر می‌شویم. شر قسه هم کنده؟! تصور من از انضباط مالی و عملکردی مفهومی در حد بازنگری در ماهیت، عملکرد و قابلیت تجدید سازمان هر شرکت، باز تعریف نمودار سازمانی شرکت و معرفی نیروی مازاد تحت نظر یک هیات مدیره متخصص، پاک‌دست و توانمند و ایجاد زمینه لازم برای رسیدن به یک تحول اساسی در حیات صندوق است. این بیمار با تیمار درمان نمی‌شود. باید جراحی شود. یک عمل با ریسک بالا؛ هستی پای این عمل پایستد؟

خبر

مظفر محمدی، عضو اتاق ایران خبر داد؛

صادرات پسته توسط خودروسازان!

گروه اقتصاد: عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با تاکید بر ضرورت توقف صادرات پسته توسط واحدهای خودرویی، گفت: «صادرات پسته توسط شرکت‌های خودروساز از مهرماه سال گذشته آغاز شده و در این مدت بالغ بر ۸۰ تا ۹۰ درصد محصول پسته ایران توسط این واحدها صادر شده است که تداوم این روند موجب می‌شود بازارهای صادراتی پسته کشور از دست برود.»

مظفر محمدی اقدامات اخیر خودروسازان را عامل نابودی تدریجی بازار پسته کشور توصیف کرد و افزود: «افزایش تعرفه گمرکی پسته از ۶ به ۹ دلار و واردات خودرو و قطعات آن با ارز حاصل از صادرات پسته، ضربه سنگینی بر پیکره کشاورزی است.»

وی بیان کرد: «در حقیقت با پیگیری خودروسازان، تعرفه گمرکی پسته از ۶ به ۹ دلار افزایش یافت تا با افزایش تعهدات ارزی، بتوانند قطعات خودروی بیشتری وارد کنند؛ غافل از اینکه با این اقدام، صادرکنندگان اصلی پسته زمین‌گیر شدند.»

محمدی واردات خودرو با ارز حاصل از صادرات پسته در سکوت خبری را مورد انتقاد قرار داد و یادآور شد: «اقدامات خودروسازان در صادرات پسته، باعث می‌شود جایگاه این محصول صادراتی روزه‌روز در بازار جهانی تنزل پیدا کند و صادرات این محصول استراتژیک به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده، دنبال نشود.»

به گزارش مهر، رئیس کمیسیون واردات اتاق کرمان ادامه داد: «بر اساس اطلاعات و تحلیل‌های موجود، شرکت‌های خودرویی، محصول پسته دسترنج کشاورزان را زیر قیمت تمام‌شده صادر می‌کنند و بازار پسته را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌اند؛ سود این گروه، در واردات خودرو یا قطعات آن است، چون ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد از واردات خودرو سود دارند و ضرر ۵ تا ۱۰ درصدی در صادرات پسته برای آن‌ها اهمیتی ندارد.» وی با بیان این‌که صادرکننده‌های اصلی پسته از گردونه خارج شدند، خاطر نشان کرد: «بخش زیادی از محصول پسته در انبارها باقی مانده است؛ چراکه شرکت‌های خودرویی به اندازه ظرفیتی که نیاز دارند صادر می‌کنند و مابقی پسته‌ها می‌ماند و خریداران خارجی متأثر از قیمت‌هایی که قبلاً از این شرکت‌ها خریده‌اند، حاضر نیستند به قیمت روز از صادرکنندگان اصلی پسته خرید کنند و این امر به مرور جایگاه پسته ایران در بازارهای جهانی را متزلزل می‌کند.»

رئیس اتاق ایران خطاب به رئیس‌جمهور؛ دولت برای تامین نهاده‌های کشاورزی اقدام عاجل کند

گروه اقتصاد: رئیس اتاق ایران در نامه‌ای به مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، با اشاره به نیاز بخش کشاورزی، تامین به‌موقع نهاده‌های تولید بخش کشاورزی را خواستار شد.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، با اشاره به ضرورت تامین به موقع نهاده‌های بخش کشاورزی، نگرانی خود را نسبت به بروز وقفه یا مشکل در تامین نهاده‌های کشاورزی و عدم تامین ارز صمد حسن‌زاده از دولت خواست: اقدام عاجل برای تامین ارز موردنیاز نهاده‌های تولید کشاورزی را انجام دهد که در حفظ آرامش مصرف‌کنندگان و فعالان اقتصادی و کسب و کارهای بخش کشاورزی بسیار موثر خواهد بود.

به گزارش اتاق ایران آنلاین، در این نامه تاکید شده است: استمرار و افزایش تولید محصولات کشاورزی، در گرو تدارک و مصرف به‌موقع نهاده‌هایی همچون بذر، کود، آفت‌کش، ابزار و ادوات و موارد نظیر آن است و استفاده از این نهاده‌ها، پس از زمان مقتضی، حتی به میزان زیاد، نه‌تنها اثری مثبت بر تولید ندارد، بلکه می‌تواند به کمیت و کیفیت تولیدات آسیب جدی بزند.